

مرگ من روزی فرا خواهد رسید

منبع: سایت زیتون، روز یکشنبه، مورخ: ۹۵/۱۰/۱۲

«مرگ من روزی فرا خواهد رسید/ در بهاری روشن از امواج نور/ در زمستان غبار آلود و دور/ یا خزانی خالی از فریاد و شور/...بعدها نام مرا باران و باد/ نرم می شویند از رخسار سنگ/ گور من گمنام می ماند به راه/ فارغ از افسانه های نام و ننگ»^۱.

پوران فرخزاد در هشتاد و سه سالگی روی در نقاب خاک کشید؛ خواهر بزرگتر فروغ که در دهه های اخیر آثار متعددی در حوزه های نقد ادبی، ترجمه، شعر، داستان نویسی و پژوهش درباره زنان منتشر کرده است. پس از فروغ و فریدون، پوران، سومین عضو خانواده تفرشی فرخزاد است که در سده کنونی در فضای فرهنگی ایران زمین نقش آفرینی کرده است. در میان آثار رنگارنگ او، «زن شبانه موعود: زن در آثار سهراب سپهری»، «مسیح مادر: نشان زن در آثار و زندگی احمد شاملو»، گرد آوری مجموعه مقالات «کسی که مثل هیچکس نیست» درباره شعر فروغ فرخزاد و «زن از کتیبه تا تاریخ» را خواننده و بهره ها برده ام.

ایامی که مشغول نگارش مقاله «ناتوانی دستهای سیمانی»، ناظر به مفهوم مرگ و چگونگی دست و پنجه نرم کردن فروغ با این مقوله مهیب و عافیت سوز در دفاتر شعر پنج گانه اش بودم، از جستارهای متعدد و متنوع «کسی که مثل هیچکس نیست»، بهره های بسیار بردم، از جمله مقاله حورا یاوری درباره میزان آشنایی فروغ با «عهد قدیم» و «عهد جدید» و چگونگی ریزش آشنایی با متون مقدس در شعرهایی چون «آیه های زمینی» در دفتر «تولد دیگر»؛ همچنین مقاله پوران فرخزاد درباره احوال اگزستانسپیل و تلاطم ها و زیر و زبر شدن های عمیق روحی فروغ هنگام سرایش شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، برایم الهام بخش بود.

افزون بر این، روزگاری که مقاله «خواهر تکامل خوشرنگ: زن در هشت کتاب سپهری» را می نوشتم،^۲ از «زن شبانه موعود» و استشهادات پوران فرخزاد به رد پای قصه های اساطیری که در گوش

۱. فروغ فرخزاد، شعر «بعدها»، دفتر «عصیان».

۲. هر دو جستار «ناتوانی دستهای سیمانی: تاملی در احوال و اشعار فروغ فرخزاد» و «خواهر تکامل خوشرنگ: زن در هشت کتاب سپهری» در فلسفه سپهری لاجوردی، جلد دوم مقالاتم درباره شعر معاصر با محوریت «هشت کتاب» سپهری، منتشر شده است.

کودکان خوانده می شود و قهرمان این داستانها که در نقش فرشته مهربان و یا لولو ایفای نقش می کنند، قصه هایی که مطابق با آموزه های مکتب روانکاوِ یونگ، روایت گر بخشی از کهن الگوها و ضمیر ناخودآگاه جمعی مایند و در اشعار دفاتر «زندگی خواب ها» و «آوار آفتاب»، نظیر شعرهای «لولوی شیشه ها» و «شاسوسا» ریزش کرده اند، استفاده کردم. در این اثر، به روابط دوستانه سهراب و فروغ و تاثیری که از یکدیگر هنگام سرایش اشعار خود در دو دهه سی و چهل شمسی گرفته نیز پرداخته شده؛ روزگاری که سپهری در کار خلق دفاتر «آوار آفتاب»، «شرق اندوه»، «صدای پای آب»، «مسافر» و «حجم سبز» بود. فروغ در مصاحبه ای گفته بود: «سهراب از اواخر «شرق اندوه» آغاز می شود؛ اگر سهراب نقاش، تمام وقت و همش را مصروف شاعری کند، خواهید دید که چگونه در این مسیر پیش خواهد رفت». با در مطالعه گرفتن «زن شبانه موعود»، بهتر می توان به داد و ستد ادبی میان سهراب و فروغ در آن روزگار پی برد.

در خانواده فرخزاد، بارقه های نبوغ در فروغ موج می زد؛ نبوغی که با تهور و جسارت عجین گشته و مسبب خلق آثاری ماندگاری چون دفاتر شعر «عصیان»، «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» شده بود. از این حیث، می توان او را با شریعتی، مقایسه کرد؛ متفکری با ذهنی جوال و خلاق که افزون بر «طرح هندسی مکتب» و در انداختن پارادیمی نو در حوزه نواندیشی دینی پیش از انقلاب، آثار ادبی غریب و بدیعی چون «هبوط در کویر» و «گفتگوهای تنهایی» را خلق کرد. علی شریعتی با فروغ فرخزاد همسن و سال بود؛ یکی متولد ۱۳۱۲، دیگری ۱۳۱۳. هر دو انسانهایی بودند برخوردار و بختیار؛ زندگی پر تلاطمی داشتند؛ چندان در بند تحقیق و تتبع موشکافانه نبودند؛ پس از خلق آثاری نبوغ آمیز در عمر کوتاهشان، به سمت بی سو به پرواز درآمدند، در هیچستان هبوط کردند و «پشت حوصله نورها» دراز کشیدند و بدل به شخصیت هایی اسطوره ای و جاودانه در میان ما شدند؛ که: «حافظ از مشرب قسمت گله بی انصافی است» و «در دایره قسمت اوضاع چنین باشد». از سوی دیگر، سهم پوران از زندگی از لون دیگری بود؛ او به نحو اغلبی به پژوهش در حوزه زنان اشتغال داشت. در این راستا، طی عمر بلند حاصل خیز خود، آثار نیکویی درباره مقوله زن در آثار دو تن از شاعران نوپرداز برجسته معاصر، احمد شاملو و سهراب سپهری، منتشر کرد. همچنین، علاوه بر قلم زدن، نقش مهمی در معرفی و شناساندن شعر فروغ فرخزاد در دهه های اخیر ایفا کرد.

آرزو کنیم زنان پژوهشگری از جنس پوران فرخزاد که مجدانه و صادقانه در کار تتبعات و تاملات دراز آهنگ خویش اند و به قول داستایفسکی به ادامه دادن ادامه می دهند، در میان ما بیشتر سر برآورند

و ببالند. برای بازماندگان و بستگان و دوستان و علاقه مندان این عزیز از دست رفته، صبر و شکیبایی بر این ضایعه را به دعا از خداوند خواستارم.:

چون دعایمان امر کردی ای عجب

این دعای خویش را کن مستجاب